

چهار کتاب اصلی علم رجال

بسم الله الرحمن الرحیم

چهار کتاب اصلی علم رجال

نویسنده:

آیت الله سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

چهار کتاب اصلی علم رجال

مشخصات کتاب

سرشناسه : خامنه ای علی رهبر جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۱۸ عنوان و نام پدیدآور : چهار کتاب اصلی علم رجال علی حسینی خامنه ای مشخصات نشر : تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۹. مشخصات ظاهری : ص ۶۲ شابک : بها:۲۷۰ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : چاپ دوم ۱۳۷۴؛ بها: ۱۳۰۰ ریال یادداشت : چاپ سوم ۱۳۷۷؛ ۱۵۰۰ ریال ۵-۵۳۴-۴۳۰-۹۶۴ ISBN یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع : حدیث -- علم الرجال موضوع : حدیث -- علم الرجال -- کتابشناسی رده بندی کنگره : PB۴۱۱ /خ ۲چ ۹ ۹۶۳۱ رده بندی دیویی : ۴۶۲/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی : م ۹۶-۲۴۰۲

موضوع علم رجال

پیش از ورود به موضوع مورد بحث ، یعنی معرفی و ارزیابی چهار کتاب اصلی علم رجال (۱) بحثی به اجمال درباره موضوع ، تاریخچه ، و فایده علم رجال مفید به نظر می رسد .

تعریف علم رجال

نخست این نکته را باید خاطر نشان ساخت که منظور از«فن رجال در این گفتار ، علم رجال به معنای عام است که آن را می توان چنین تعریف کرد : «دانش شناسایی گروهی از مردم که در جهت خاصی مشترکند و اطلاع از احوال یا انساب یا تالیفات یا برخی دیگر از خصوصیات ایشان . »بنابراین تعریف علم رجال به معنای خاص ، فهرست ، تراجم ، انساب ، و مشیخه را شامل می شود . چون در اصطلاح خاص ، «علم رجال آن است که در شناسایی راویان حدیث ، از لحاظ نام یا اوصافی که در قبول یا رد گفته و روایت آنان دخالت دارد ، بحث می کند .

فهرست مجموعه ای است که در آن نام مؤلفان و مصنفان گردآوری شده است ، تراجم ، به طور عام ، شرح حال علماء یا راویان است بدون اشاره به جهاتی که در رد و قبول روایت مؤثرند ، و مشیخه نشان دهنده سلسله اساتید حدیث است .

و باز علم رجال ، به معنای خاص ، بر حسب انگیزه های گوناگون ، به رشته ها و موضوعات محدودتری تقسیم می شود و کتابهای مربوط به آن شکلهای مختلفی می گیرد . بعضی از این کتابها به طور عام ، شامل نام راویان است ، بی تعرض به وثاقت یا عدم وثاقت ایشان ، مانند طبقات الرجال تالیف (احتمالا) احمد بن ابی عبدالله برقی (متوفا به سال ۲۷۴ یا ۲۸۰) . بعضی

دیگر درباره ممـدوحین یا مذمومین است ، مانند کتاب ابن داود قمی (متوفا به سال ۳۶۸) و نیز کتاب استادش احمد بن محمد بن عمار الکوفی (متوفا به سال ۱۳۴۶) که از کتاب او مفصلتر است . برخی فقط درباره اصحاب یک امام است مانند کتاب ابن عقده (متوفا به سال ۳۳۲ یا ۳۳۳) که فقط در خصوص اصحاب امام صادق-علیه السلام-تالیف شده و مشتمل بر نام چهار هزار راوی است . و در برخی دیگر ، جهت خاص دیگری در نظر گرفته شـده ، ماننـد کتاب عبـد العزیز بن یحیی الجلودی (متوفا به سال ۳۳۲) که مشتمل است بر نام آن عده از صحابه رسول اکرم-صلی الله علیه و آله-که از علی-علیه السلام-روایت کرده اند ، یا کتاب ابن زیـدویه (۲) در حالات زنـان راوی آل ابیطـالب (من روی من نساء آل ابیطالب) و کتابهای دیگری که برخی از آنها را نام خواهیم برد .

تاریخچه و سیر اجمالی این علم تا دوره شیخ و نجاشی

این علم از دیرباز ، یعنی از نخستین قرنهای طلوع اسـلام ، مورد توجه مسـلمین قرار داشته و به تدریج با افزایش نیازی که بدان احساس می شده ، دامنه آن گسترش یافته است .

اگر علم رجال را به همان عمومیت که گـذشت ، تعریف کنیم ، یعنی دایره آن را تا شـرح حال نویسـی (رشـته تراجم) توسـعه دهیم ، سابقه این علم به نیمه اول قرن نخستین می رسـد ، زیرا در حـدود سال ۴۰ هجری (۳) عبید الله بن ابی رافع ، کاتب امیر المؤمنین علی-علیه-السـلام-نـام آن عـده از اصـحاب رسول اکرم-صـلی الله علیه و آله-را که در جنگهای علی-علیه السـلام-شرکت داشته و به همراهی آن حضرت جنگیده اند ، در کتابی گرد آورد و ظاهرا

وی نخستین کسی بود که در رجال ، کتاب نوشت . شیخ طوسی در الفهرست از این کتاب به نام تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین-علیه السلام-الجمل و صفین و النهروان من الصحابه-رضی الله عنهم یاد کرده و سند خود را بدان ذکر نموده است .

در قرن سوم هجری بر اثر شیوع کتب حدیث و رواج اصول و مصنفات این علم ، فن رجال نیز بالتبع رونق گرفت و کتب بالنسبه زیادی در این فن تدوین و تالیف شد که برخی از آنها تاکنون موجود است و از آثار گرانبهای شیعه در این علم به شمار می رود . از آن جمله است : کتاب طبقات الرجال تالیف احمد بن ابی عبد الله برقی (۴) که نسخه ناقصی از آن تاکنون باقی است و کتاب ابو محمد عبد الله بن جبله بن حیان بن ابجر الکنانی ، (متوفا به سال ۲۱۹) (۵) که شیخ طوسی در کتاب رجال او را از اصحاب امام کاظم شمرده و نجاشی کتب متعددی از جمله کتابی در رجال را بدو نسبت داده است .

برخی دیگر از کتب رجالی قرن سوم عبارتند از : رجال حسن بن علی بن فضال (متوفا به سال ۲۲۴) که گویا در عصر نجاشی ، معروف و شاید در اختیار خود او بوده است ، کتاب رجال حسن بن محبوب (متوفا به سال ۲۲۴) به نام معرفه رواه الاخبار (۷) و این غیر از کتاب دیگر اوست در مشیخه که ابو جعفر اودی آن را به ترتیب نام رجال فصل بندی کرده است ، دیگر کتاب رجال ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی (۸) متوفا به سال

۲۸۳) ، و کتاب رجال حافظ ابو محمد عبد الرحمن بن یوسف بن خراش المروزی البغدادی (۹) متوفا به سال ۲۸۳) . از آنچه گفتیم روشن می شود که گفته سیوطی در کتاب الاوائل که نخستین مؤلف در علم رجال ، شعبه بن الحجاج–از ائمه اهل سنت و متوفا به سال ۱۶۰–است ، (۱۰) به حقیقت و تحقیق مقرون نیست ، چه همان طور که دانستیم ، فن رجال در قرن نخستین سرآغاز گرفته و بیشتر از یک قرن پیش از شعبه کتابی در این رشته به وسیله عبید الله بن ابی رافع فراهم آمده است .

نظیر این اشتباه و بسی فاحشتر از آن ، از نویسنده ارزشمند معاصر مصری ، شیخ محمد ابو زهره ، در کتاب مغتنم و مفیدش الامام الصادق سرزده که بی گمان ناشی از عدم تتبع کافی در مصادر و مآخذ شیعی است نه از گرایشهای فرقه ای و تعصب آمیز . وی کتاب فهرست شیخ طوسی را نخستین کتاب رجالی شیعه پنداشته و او را از این رهگذر که گشاینده راهی نو در افق فرهنگ شیعی است ، مورد ستایش و تمجید فراوان قرار داده است . (۱۱) این قضاوت ، نمایشگر بی دقتی در همین کتاب فهرست نیز هست . چه ، شیخ خود در مقدمه کتاب مزبور به کتابهای دیگری در این زمینه که به وسیله علمای پیشین تالیف شده اشاره می کند . به هر حال تالیف و تدوین کتب رجالی که در قرن سوم صورت نسبتا گسترده و مبسوطی یافته بود ، در قرن چهارم به همان نسبت گسترده تر و متنوعتر و جامعتر گشت .

نکته ای که از بررسی بسیاری از کتابهای

رجالی این قرن به دست می آید ، این است که این کتابها در موضوعات محدودتر و محصورتری نگاشته شده و گویا در این قرن شیوه تخصص گرایی رواج یافته و رشته های تخصصی و موضوعات متنوع مستقلا مورد نظر خبرگان و علمای فن قرار گرفته است و این خود نشانه گسترش دامنه این علم در قرن مزبور است .

مثلا ابو العباس احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده (متوفا به سال ۳۳۲ یا ۳۳۳) (۱۲) ، چنانکه یاد کردیم ، کتابی مشتمل بر رجال امام صادق-علیه السلام-فراهم آورد و در آن از چهار هزار نفر تشرف یافته به صحبت و روایت آن حضرت نام برده است ، و ابو الحسین احمد بن الحسین بن عبید اله غضائری دو کتاب درباره مؤلفان شیعه (که اصطلاحا به آنها فهرست اطلاق می شود) نگاشت و کتاب دیگری مشتمل بر نام راویان ضعیف و غیر موثق به نام الضعفاء نوشت (۱۳) ، و قاضی ابو بکرمحمد بن عمر الجعانی البغدادی (متوفا به سال ۳۵۵) که در حدیث و رجال سرآمد زمان خود بود ، (۱۴) کتاب بزرگی به نام الشیعه من اصحاب الحدیث و طبقاتهم در طبقات راویان شیعه تالیف کرد که شیخ نجاشی آن را سماع کرده است و کتاب دیگری در شرح طبقات اصحاب حدیث در بغداد (۱۵) و چند کتاب دیگر در موضوعات محدود مربوط به روایان حدیث فراهم آورد . (۱۶)

برخی دیگر از کتابهای رجالی معروف قرن چهارم بدین قرار است :

رجال ابن داود قمی (متوفا به سال ۳۶۸) درباره ممدوحین و مذمومین ، رجال محمد بن علی بن بابویه معروف به صدوق (متوفا به سال

۳۸۱) ، فهرست حسن بن محمد بن الولید قمی ، استاد صدوق و دیگر قمیین (متوفا به سال ۳۴۳) ،

کتاب الطبقات ابن دول (متوفا به سال ۳۵۰) ، کتاب رجال کلینی ، محمد بن یعقوب ، مؤلف کتاب معروف اصول کافی (متوفا به سال ۳۲۸ یا ۳۲۹) ،

رساله معروف ابو غالب زراری به فرزند زاده اش در تراجم راویان آل اعین و . . . که یک بار به سال ۳۵۶ و بار دیگر پس از ۱۱ سال یعنی در سال ۳۶۷ نگارش یافته است ،

و از همه معروفتر کتاب معرفه الناقلین عن الائمه الصادقین ، علیهم السلام (۱۷) است ، تالیف شیخ ابی عمرو محمد بن عمر بن عبد العزیز الکشی (متوفای حدود نیمه قرن چهارم) (۱۸) که خلاصه و منتخبی از آن به نام اختیار الرجال ، در حال حاضر موجود و نسخ چاپی آن معروف و در دسترس است .

در حدود نیمه اول قرن پنجم هجری ، یعنی پس از گذشتن بیش از سه قرن از تالیف نخستین کتاب رجالی ، اصول اربعه رجالیه یعنی چهار کتاب معروف و مورد استناد این علم که از ترکیب و تصحیح و امتزاج کتب و مصنفات قبلی تشکیل شده بود به رشته تحریر درآمد و سرفصل تازه ای در تاریخچه این علم گشوده گشت . این چهار کتاب که خوشبختانه در طول زمان از دستبرد حوادث مصون مانده و اصل آنها تا زمان حاضر باقی است و بعضی از آنها مکرر به طبع رسیده ، عبارت است از : اختیار الرجال ، الفهرست ، الرجال(هر سه تالیف شیخ ابو جعفر محمد بن الحسن طوسی ، متوفا به سال

و کتاب فهرست معروف به رجال نجاشی ، تالیف احمد بن علی نجاشی (متوفا به سال ۴۵۰) . (۱۹) این چهار کتاب در طول قرنهای متعددی که از تالیف آنها گذشته ، همواره مورد توجه و استفاده و مراجعه خبرگان این فن قرار داشته ، و چنانکه به تفصیل خواهیم دید ، کارهایی از قبیل ترتیب و تبویب و جمع و تفصیل براساس آنها انجام گرفته است .

این قرن را به خاطر تالیف این چهار کتاب باید سرآمد قرنهای پیشین و نقطه اوج فعالیتهای رجالی تا آن روز دانست .

آغاز و انگیزه تدوین هر یک از رشته های علم رجال

چنانکه پیشتر گفته شد ، علم رجال به معنای عام ، چندین رشته را متضمن است ، از آن جمله : رجال به اصطلاح خاص (شناسایی نام راویان یا اوصافی که در رد و قبول خبر آنان مؤثر است) ، فهرست (شناسایی نام مؤلفان و مصنفان) ، تراجم یا تاریخ الرجال (شناسایی تاریخ و شرح حال علما یا روات لیکن نه به لحاظ دخالت در رد و قبول خبر) ، و مشیخه (شناسایی سلسله اساتید روایتی) .

برای تعیین تاریخ دقیق شروع هر یک از این رشته ها اطلاع کافی در دست نیست ، ولی چنانکه پیشتر باز گفتیم ، گردآوری نام عده ای از مردم که در جهت واحدی مشترک باشند ، اول بار در نخستین قرن اسلام به وسیله یکی از شیعیان به نام عبید الله بن ابی رافع انجام گرفت .

اما تدوین کتب رجالی به معنای مصطلح ، یعنی آنچه مربوط است به ذکر حالات راویان حدیث از لحاظ صفاتی که در رد وقبول خبر آنان مؤثر می تواند بود ، به گمان قوی از نیمه

اول قرن دوم یعنی از روزگار رواج حدیث آغاز شده است . شاید با قاطعیت بتوان گفت که انگیزه اصلی برای پیدایش این فن و تـدوین مصـنفات مربوط به آن ، اهتمام و مراقبت شدید و نزدیک به وسواسـی بود که محدثان و جمع آوران حدیث در کار تدوین روایات به کار می بردند .

در آن دوره عوامل جعل حدیث فراوان بود : اولا ارزش و وزنی که محدثان و حاملان حدیث در اجتماع داشـتند ، عده ای بی مـایه و شـهرت طلب را برای ورود در جرگه محـدثان بـدین کار وادار می ساخت ، ثانیا اغراض سیاسـی و فرقه ای نیز هر یک عامل مهم و مسـتقلی در این مورد به شـمار می رفت و در نتیجه احادیث فراوان از زبان منابع حـدیث به رسول اکرم-صـلی الله علیه و آله-یا در حوزه تشیع به ائمه اهل بیت-علیهم السـلام-نسـبت داده می شـد . این موضوع که در بسـیاری از بیانات ائمه-علیه السـلام-یا روات منعکس است ، موجب شـد که خبرگان فن برای تشـخیص حدیث صـحیح از سـقیم به ذکر نام راویان و تمییز ممدوح از مذموم بپردازند . و بدین ترتیب کتابهایی در این رشته فراهم آید .

در مورد آغاز تدوین کتابهای رشـته فهرست نیز اطلاع دقیقی در دست نیست . به طور مسـلم سالها پیش از شیخ طوسی و شیخ نجاشـی ، فهرست نویسـی نیز همچون تالیف کتب رجال ، متـداول و مرسوم بوده است و این از گفتار شـیخ طوسـی در مقـدمه کتاب الفهرست مستفاد می شود . عبارت وی چنین است :

فانی لما رایت جماعه من شـیوخ طائفتنا من اصحاب الحدیث عملوا فهرست کتب اصحابنا و ما صنفوه من التصانیف و رووه من الاصول . .

حتی به گفته محقق شوشتری ، در مقدمات کتاب ارزشمند قاموس الرجال اکثر قدما دارای فهرست بوده اند . (۲۰) نهایت آنکه در این فهرستها غالبا از شیوه اختصار پیروی می شده و مؤلفان آنها جز کتابهایی را که از آنها روایت کرده یا در کتابخانه خود موجود داشته اند ، نام نمی برده اند . (۲۱)

شیخ طوسی در کتاب الفهرست از برخی از این فهرستها یاد کرده است ، من جمله از فهرست ابن عبدون (متوفا به سال ۴۲۳) در ضمن ترجمه ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال . (۲۲)

نخستین کسی که کتابی به تفصیل در زمینه فهرست نگاشت ، ابو الحسین احمد بن حسین بن عبید الله غضائری معروف به ابن الغضائری بود که معاصر شیخ طوسی و شیخ نجاشی و به رتبت مقدم بر آن دو بوده است . وی ، چنانکه طوسی در مقدمه الفهرست آورده ، دو کتاب کامل و بزرگ در این رشته فراهم آورد : یکی فقط درباره اصول و دیگری ویژه مصنفات ، (۲۳) لیکن پس از مرگ ناگهانی وی ، تنها نسخه این دو کتاب عزیز و ارزشمند به ست یکی از بازماندگانش تلف شد و این اثر بزرگ که اگر باقی می ماند ، بی گمان از سرمایه های رجالی شیعه محسوب می گشت ، به نسلهای بعد نرسید . (۲۴)

انگیزه تدوین فهرست را از آنچه شیخ نجاشی در مقدمه فهرست معتبر و مبسوط خود ، که به رجال نجاشی اشتهار یافته است ، ذکر کرده می توان به دست آورد . وی چنین می نویسد :

فانی وقفت علی ما ذکره السید الشریف–اطال الله بقائه و ادام توفیقه–من تعییر قوم من مخالفینا انه لا سلف لکم و لا

مصنف . و هذا قول من لا علم له بالناس و لا وقف علی اخبار هم و لا عرف منازلهم و تاریخ اخبار اهل العلم و لالقی احدا فیعرف منه . . .

به گمان نزدیک به یقین ، لا اقل نیمی یا بخش مهمی ازانگیزه دیگر مؤلفان کتابهای رشته فهرست نیز همین است که در عبارت بالا بدان اشاره شده ، یعنی معرفی سلف شیعه و بازشناساندن آثار گرانبهای آنان در علوم و فنون مختلف و پاسخ به طنز و ایراد آن دسته از مخالفان که از این آثار بیخبر می بوده اند و شیعه را به نداشتن اثر و سابقه علمی ، قدح می کرده اند . (۲۵)

در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم ، به نام مشیخه ابن محبوب (متوفا به سال ۲۲۴) برخورد می کنیم که از کتابهای معروف رجالی است و ابو جعفر اودی (۲۶) آن را به ترتیب نامهای رجال ، فصل بندی کرده است . بنابراین سابقه مشیخه که یکی از رشته های علم رجال به معنای عام است ، به سالهای پیش از ۲۲۴ می رسد .

در رشته تاریخ رجال نیز ، در قرنهای سوم و چهارم ، کتابهایی همچون تاریخ الرجال تالیف احمد بن علی عقیقی (پدر) و غیره نوشته شده که نام آنها در کتب فهرست مضبوط است . (۲۷) بنابراین می توان گفت که کلیه رشته های گوناگون علم رجال (به معنای عام) در قرنهای نخستین ، با فاصله ای نه چندان زیاد ، پدید آمده و سپس به تدریج رو به توسعه نهاده و در هر یک از رشته ها ، به فراخور نیازی که بدان حساس می شده ، کتابهایی تالیف و تصنیف شده است

.

اختيار الرجال و الفهرست

اختيار الرجال و الفهرست

با ملاحظه آنچه درباره تاریخچه کوتاه و سیر تاریخی علم رجال در طول دو سه قرن خست بیان شد می توان رتبت ارجمند و پایگاه بلند شیخ الطائفه محمد بن الحسن طوسی (۳۸۵-۴۶۰) فقیه و محدث بزرگوار را در این علم نیز حدس زد . زیرا وی کسی است که توانسته است با تالیف چند کتاب گرانبها در این زمینه نقطه بارزی در تاریخ این علم پدید بیاورد ، و همچنان که در علم حدیث از دیگر مؤلفان کتب اربعه گوی سبقت ربوده و در علم فقه به شیوه ای بی سابقه و ابتکاری کتاب نوشته ، در این رشته نیز نقشی برازنده و برجسته داشته باشد و فراهم آورنده سه کتاب از چهار کتاب معروف و مورد اعتماد این فن باشد ، و بر اثر جامعیت و نظم شایسته این کتابها و هم شیوایی قلم و نیکویی سلیقه و نبوغ علمی خود ، کتب پیشین را متروک و مهجور سازد .

این سه کتاب که هر کدام در یکی از شعبه های گوناگون علم رجال نوشته شده است از زمان مؤلف تاکنون-که فاصله ای بیش از ۹ قرن است-همواره مدار بحث و تحقیق و تالیف خبرگان این فن بوده و-چنانکه باز خواهیم گفت-شرحها و ذیلها و ترتیبها بر مدار آن فراهم آمده است .

این سه کتاب بدین قرارند :

اختیار الرجال ، الفهرست ، الرجال یا الابواب .

و ما به ترتیب به معرفی و تحقیق درباره این سه کتاب می پردازیم .

اختيار الرجال يا تلخيص رجال كشي

اشاره

اصل این کتاب-چنانکه به تفصیل باز خواهیم گفت-از شیخ ابو عمر و محمد بن عمر بن عبد العزیز الکشی (۲۸) وفات یافته در حدود نیمه قرن چهارم) و موسوم به معرفه الناقلین عن

الائمه الصادقین بوده و چون در آن اغلاط و اشتباهات و اضافاتی وجود داشته ، شیخ طوسی به تلخیص و تهذیب آن همت گماشته و آن خلاصه را اختیار الرجال نام نهاده است . و بنابر نقل سید علی بن طاووس در کتاب فرج المهموم از نسخه خطی مؤلف ، در روز سه شنبه ۲۶ صفر سال ۴۵۶ شروع به املای آن بر شاگردان خویش کرده است .

مشخصات کتاب

موضوع این کتاب ، تاریخ رجال و ذکر طبقات آنهاست و مبنای آن ذکر روایاتی است که در مدح یا قدح رجال وارد شده ، بی آنکه نظری درباره آن روایات ابراز گردد . در ذیل نام هر یک از رجال ، یک یا چند حدیث مسند که در آن از شخص مورد نظر به گونه ای یاد شده ، نقل می گردد . این حدیثها گاه به این دلیل که متضمن مدح یا قدح شخص مورد نظرند ، با یکدیگر متعارض می باشند و در این گونه موارد معمولا سخنی که از ترجیح یکی از دو دیث حکایت کند به میان نمی آید و فقط به گزارش روایتها بسنده می گردد . تنها در پاره ای از موارد ، درباره شخص مورد نظر یا درباره سند یا مضمون یکی از آن حدیثها اظهار عقیده ای می شود .

مثلا در شرح حال زراره بن اعین پس از ذکر حدیثی در مذمت وی که سندش چنین است : محمد بن بحر الکرمانی ، عن ابی العباس المحاربی الجزری ، عن یعقوب بن یزید ، عن فضاله بن ایوب . . . ، می گوید : «محمد بن بحر هذا غال ، و فضاله لیس من رجال یعقوب ، و

هذا الحديث مزاد فيه ، مغير عن وجهه . » (۲۹)

کتاب نه خاص رجال شیعه است و نه محدود به موثقان و مدح شدگان . شرح حال زراره ، چهره درخشان شیعه و راوی مقبول و موثق ، در آن هست ، شرح حال ابو الخطاب مقلاص ، غالی معروف ، نیز هست . از غیر شیعه فقط کسانی را نام می برد که برای شیعه روایت کرده و در شمار رجال حدیث شیعه باشند . (۳۰) پس آمدن نام کسی در این کتاب نه دلیل شیعی بودن اوست و نه نشانه وثاقتش ، چنانکه نیامدن نام کسی در آن نه دلیل شیعی نبودن اوست و نه دلیل ضعفش .

در آغاز کتاب هفت روایت در ستایش راویان و حاملان حدیث و چهار روایت درباره یاران و نزدیکان علی-علیه السلام-نقل می کند و سپس به ذکر نام رجال می پردازد . در آغاز گاه فقط نام شخص مورد ترجمه را ذکر می کند و پس از آن به گزارش روایتهایی درباره او می پردازد ، مثلا : زید بن صوحان-جبرئیل بن احمد ، قال حدثنی موسی بن معاویه بن وهب . . . تا آخر ، در عنوان بالا شخص مورد ترجمه زید بن صوحان است و جبرئیل بن احمد راوی نخستین در سلسله حدیثی است که درباره زید بن صوحان نقل شده . پس از این حدیث ، حدیث بعد چنین آغاز می شود : علی بن محمد القتیبی قال . . . تا آخر . و بدین ترتیب همه روایاتی که درباره زید بن صوحان آمده پی در پی نقل می شود .

و گاه نام شخص مورد ترجمه با کلمه فی مشخص می شود ،

مثلاـ : فی الحسین بن بشار-حدثنی خلف بن حماد ، قال حدثنا . . . تا آخر ، که حسین بن بشار مورد ترجمه است . و گاه نیزمطلب به این صورت آغاز می گردد : «ما روی فی ، مثلا : فی الحسن بن محبوب .

روایاتی که در ذیل هر عنوانی نقل می شود نیز گاه با کلمه حدثنی و گاه با جمله وجدت به خط فلان و گاه بدون این هر دو و فقط با نام نخستین راوی ، آغاز می گردد . مجموع رجالی که در این کتاب عنوان شده اند به حدود ۵۱۵ نفر بالغ می شود که در شش بخش بر حسب تقدم و تاخر زمانی مندرج گشته است .

نام رجال بر هیچ اساسی مرتب نیست : نه بر اساس تاریخ فوت ، نه بر اساس صحابت امامان اهل بیت-علیهم السلام-و نه بر اساس حروف اول نامها . بدین علت ست یافتن به شرح حال شخص مورد نظر در این کتاب دشوار است . در نسخه طبع بمبئی ، فهرست نامها به همان ترتیبی که در کتاب آمده با رقم صفحه مربوط درج شده است که کار مراجعه را اندکی آسان می سازد . ولی از آنجا که گاه روایات مربوط به یک شخص در مواضع مختلفی از کتاب ذکر شده و تاکنون فهرست اعلام ، که جبران کننده این نقیصه است ، به نسخه چاپی کتاب منضم نشده ، (۳۱) با دست یافتن به عنوان شخص مورد نظر در کتاب نمی توان مطمئن بود که به همه اطلاعات مربوط به وی دسترسی پیدا شده است .

انتساب کتاب به شیخ طوسی

در انتساب این کتاب به شیخ اختلاف است . بیشتر علمای فن

برآننـد که کتـاب مورد بحث برگزیـده و پیراسـته ای است که شـیخ طوسـی از کتـاب رجال ابی عمر و محمـد بن عمر بن عبد العزیز کشی فراهم آورده است . این نظر را نام کتاب نیز تا حدی تایید می کند .

قول دیگر آن است که کتاب موجود همان اصل کتاب کشی است نه انتخاب شیخ . از سخنان احمد بن طاووس حلی (متوفا به سال ۶۷۳) و دو شـاگردش ، علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) و ابن داود حلی (متولد ۶۴۷) ، قول دوم بر می آیـد ، (۳۲) ولی دلایل و شواهـدی چنـد انتساب کتاب را به شـیخ و منتخب بودن آن را از اصل کتاب کشـی به طور قاطع تاییـد می کنـد . برخی از این دلایل بدین قرارند :

علی بن طاووس (متوفا به سال ۶۶۴-برادر احمد بن طاووس) در کتاب فرج المهموم از نسـخه ای از این کتاب یاد می کند که به خط خود شـیخ در آن چنین نوشـته بوده است : «هـذه الاخبار اختصـرتها من کتاب الرجال لابی عمرو محمد بن عمر بن عبد العزیز ، و اخترت مـا فیهـا» (۳۳) و این گفته به صـراحت دلیل آن است که کتاب موجود برگزیـده شـیخ طوسـی است نه اصـل کشی .

شیـخ در الفهرست کتـابی به نـام اختیـار الرجـال را به خـود نسـبت داده و در شـمار آثـار علمی خود شـمرده است ، (۳۴) و از روزگار پس از شـیخ تاکنون همواره این نام را با همین کتاب مورد بحث منطبق می دانسـته انـد و اثری از کتاب دیگری بـدین نام نیست .

در مواردی شیخ نجاشی ، صاحب فهرست معروف و معاصر شیخ طوسی ، موضوعی را از کتاب کشی نقل می کند که

در کتاب موجود کنونی از آن نشانی نیست ، (۳۵) و این دلیل است بر آنکه نسخه اصلی کتاب کشی ، که در روزگار نجاشی در دسترس و مورد استناد وی بوده ، غیر از کتاب اختیار کنونی است و کتاب موجود انتخاب و ملخصی از کتاب کشی است ، نه اصل آن . (۳۶)

به هر حال ، جای تردید نیست که آنچه به عنوان رجال کشی از چند قرن پیش تاکنون در دست است ، چیزی جز همین برگزیده شیخ طوسی نیست و به گمان قوی پس از روزگار شیخ نسخه اصل کتاب کشی در اختیار هیچ یک از علمای فن قرار نداشته و به کلی از بین رفته است . تنها کسی که گمان می رود نسخه اصل را دارا بوده شهید اول است ، چرا که وی در حاشیه اش بر کتاب خلاصه علامه ، پس از آنکه از اختیار الرجال مطلبی نقل کرده ، همان مطلب را از کتاب کشی به صورت دیگری نقل نمود ، (۳۷) و این نشانه آن است که وی علاوه بر اختیار الرجال ، اصل کتاب کشی را نیز داشته و آن دو را با یکدیگر مقایسه و تطبیق می کرده است . ولی محقق شوشتری معاصر ، مؤلف قاموس الرجال-که در این فن رتبتی بلند را حایز است-معتقد است که شهید در شناسایی کتابی که در دست داشته دچار اشتباه شده و نسخه ای از اختیار الرجال را اصل کتاب کشی پنداشته است ، زیرا نسخه های اختیار الرجال در مواردی با یکدیگر مختلف است . بهترین شاهد سهو شهید آنکه ، همان جمله ای را که شهید به کتاب کشی نسبت داده

، مولی عنایت الله قهپایی (۳۸) ، ترتیب دهنده اختیار الرجال ، عینا همان رااز اختیار الرجال نقل کرده است .

از برخی کلمات علامه در کتاب خلاصه استفاده می شود که وی نسخه اصل کتاب کشی را داشته چه ، در مواردی مطلبی را از کشی نقل می کند با عبارت : «ذکره الکشی یا«قال الکشی ، در حالی که از مطلب مزبور در اختیار الرجال نشانی نیست . لیکن با توجه به اینکه علامه در کتاب خلاصه عین عبارات صاحبان اصول رجالیه را نقل می کند نه تنها مطالب آنان را ، بلکه می توان مطمئن بود که در موارد مزبور ، عبارت ذکره الکشی یا«قال الکشی ، نیز از یکی از کتابهای مزبور مانند کتاب نجاشی یا هرست شیخ گرفته شده و از خود علامه نیست ، در این صورت ، مطلب را آنان از کتاب کشی نقل کرده اند ، نه از کتاب علامه . (۳۹)

حاصل سخن آنکه از دوره بعد از شیخ طوسی و نجاشی هیچ یک از دانشمندان این فن از اصل کتاب کشی نشانی نیافته و سراغی نداشته اند و گویا این کتاب که قبل از شیخ نیز چندان رواج نداشته ، پس از انتخاب و تلخیص وی به کلی از رواج افتاده و برگزیده آن که به خاطر برگزیننده اش اعتبار بیشتری می داشته ، جای آن را گرفته است .

از این عبارت نجاشی که درباره شیخ کشی می گوید : «له کتاب-الرجال ، کثیر العلم ، و فیه اغلاط کثیره (۴۰) و هم از اینکه شیخ طوسی دست به پیراستن آن زده ، می توان نتیجه گرفت که نسخه صحیح و متقن کتاب مزبور حتی به شیخ

و نجاشی نیز نرسیده یا آنکه خود در اصل کتابی پر خطا بوده است و این نیز خود می تواند عاملی محسوب شود برای متروک شدن اصل این کتاب پس از اختیار شیخ .

مؤلف کتاب قاموس الرجال معتقد است که منظور نجاشی از جمله و فیه اغلاط کثیره آن است که اصل کتاب دارای اشتباه در مطالب بوده ، نه اینکه بعدها از طرف نسخه برداران و کاتبان ، تصحیف و خطا بدان راه یافته است . و آنگاه خود محقق مزبور چنین اظهار نظر می کند که : این قضاوت نجاشی بی پایه است چه ، اشتباهات موجود در کتاب کشی چندان فاحش است که گمان انتساب آن به کسی چون کشی نمی رود ، (۴۱) و این اظهار نظر از محقق نامبرده جای بسی شگفتی است . چه با قبول این فرض که نسخه اصل کتاب کشی در دست نیست ، از کجا می توان فاحش بودن یا نبودن خطاهای آن کتاب را دانست و سنجید و نسبت به امکان یا عدم امکان انتساب آنها به کشی نظر داد ؟ به عبارت دیگر ، سخن از خطاهای کدام کتاب است ؟ کتاب اختیار الرجال ؟ یعنی کتابی که از صافی تحقیق و تنقیح شیخ طوسی خارج شده و بالطبع نجاشی را درباره آن چنین قضاوتی نیست ؟ یا اصل کتاب کشی ؟ که اکنون قرنهاست از آن جز نامی نیست ؟ در صورت دوم از کجا مؤلف قاموس الرجال توانسته فاحش بودن خطاهای آن را بفهمد و رتبت کشی را از ارتکاب آنها برتر بداند ؟

در هر صورت اگر بپذیریم که اشتباهات اصل کتاب کشی ناشی از تصحیف نسخه برداران

بوده نه معلول خطای مؤلف ، ناگزیر باید علت تحریف آن را در بی اعتنایی معاصرانش به کتاب وی جستجو کنیم . چه ، وی و استادش ، عیاشی ، از راویان ضعیف الحال نقل می کرده اند و این در عرف قدما طعن بزرگی محسوب می شده است و بدین سبب کتاب وی در زمان خودش و پس از آن متروک و مهجور مانده و در نتیجه نسخه های آن دستخوش تحریف و تبدیل گردیده است . شگفت آنکه کتاب اختیار الرجال نیز که برگزیده و پیراسته ای از آن کتاب است و بی گمان در اصل از بسیاری اشتباهات و اغلاط کتاب کشی خالی بوده ، اکنون متضمن تحریفها و تصحیفها و اشتباهات فراوان است .

به گفته علامه کلباسی مؤلف کتاب سماء المقال (۴۲) قراینی وجود دارد که این کتاب به مرور زمان مورد دستبرد حوادث قرار گرفته و به تدریج مطالبی از آن اسقاط و حذف شده است ، ولی محدث نوری در خاتمه کتاب مستدرک الوسائل مواردی را یاد می کند که مؤلفان کتب رجالیه مطلبی را از اختیار الرجال نقل کرده اند و آن مطلب در نسخه ای که اکنون از این کتاب در دست است یافت نمی شود .

علاوه بر اینها-چنانکه اشاره کردیم-در نسخه موجود کتاب اشتباهات و تصحیفاتی دیده می شود که رجالیون متاخر به برخی از آنها اشاره کرده اند . محقق شوشتری اشتباهات این کتاب را بیش از حد شمارش و موارد درست و مصون از خطا را معدود و انگشت شمار می داند . از جمله اشتباهاتی که محقق نامبرده بدانها اشاره می کند این است که در بسیاری از عناوین ، احادیث مربوط به شرح حال کسی با احادیث مربوط به شرح

حال کس دیگری یا با احادیث همنام او که در طبقه دیگری قرار دارد مشتبه و مخلوط شده است ، مثلا : احادیث مربوط به ابی بصیر لیث المرادی ، با روایات مربوط به ابی بصیر یحیی الاسدی خلط گشته ، و حمیری که از اصحاب حضرت عسگری-علیه السلام-است در شمار اصحاب امام علی بن موسی الرضا-علیه السلام-معرفی شده ، و اولین روایت در حالات عبد الله بن عباس در خلال احادیث مربوط به خزیمه (که پیش از عبد الله عنوان شده) ذکر گردیده ، و در ذیل نام محمد بن زینب مکنی به ابی الخطاب بیست و سه روایت که از هیچ رو بدو مربوط نیست نقل شده و . . . (۴۳)

بسی روشن است که این گونه خطاها از نوع اشتباهاتی نیست که از کسی چون کشی یا شیخ طوسی صادر گردد ، و گمان انتساب آن به کسی جز نسخه برداران و کاتبان نمی رود .

همچنان که برخی اشتباهات دیگر این کتاب از قبیل : تاریخ وفات حماد بن عیسی ، تعیین سنین زندگی معاویه بن عمار ، تحریف جبرئیل بن احمد فاریابی در اوایل کتاب به جبرئیل بن محمد فاریابی ، و امثال اینها ، که علامه کلباسی در سماء المقال بدانها اشاره کرده ، نیز از جمله اشتباهاتی است که انتساب آنها به شیخ طوسی دور از باور است .

بنابر آنچه گفتیم می توان قضاوت کرد که نظر مولی عنایت الله قهپایی که این اغلاط را از شیخ دانسته و معتقد است که اصل کتاب کشی مبرا و تهی از آنها بوده ، کاملا خلاف تحقیق و ادعایی بی دلیل است .

نام اصل کتاب کشی

در بیشتر

کتابهای قدما ، مانند فهرست شیخ و فهرست نجاشی ، در ذیل حالات کشی ، از نام کتاب وی ذکری نرفته و تنها به اصل وجود این کتاب اشاره شده است .

شیخ طوسی در الفهرست زیر عنوان ابو عمرو کشی چنین می گوید : «ثقه بصیر بالاخبار و بالرجال ، حسن الاعتقاد ، له کتاب الرجال . . . » (۴۴) عبارت نجاشی نیز در این باره مشتمل بر توضیح بیشتری نیست : «کان ثقه عینا ، و روی عن الضعفاء کثیرا و صحب العیاشی و اخذ عنه و تخرج علیه فی داره التی کان مرتعاللشیعه و اهل العلم ، له کتاب الرجال . . . » (۴۵)

تا آنجا که ما اطلاع یافته ایم نخستین کسی که برای کتاب کشی نامی ذکر کرده ابن شهر آشوب (متوفا به سال ۵۸۸) صاحب کتاب معالم العلماء است . وی در این کتاب که به عنوان ذیل و تتمیم فهرست شیخ به رشته تحریر در آمده ، از کتاب کشی به نام معرفه الناقلین عن الائمه الصادقین (۴۶) یاد می کند و به قرینه نزدیکی زمان او با کشی و شیخ جای تردید باقی نمی ماند که گفته وی متکی به قراین قطعی بوده و نام کتاب کشی همان است که او ذکر کرده است .

شیخ طوسی در الفهرست ، در ذیل عنوان احمد بن داود بن سعید»پس از نسبت دادن کتابهای متعددی به وی می گوید : «ذکره الکشی فی کتابه فی معرفه الرجال . » (۴۷) مؤلف سماء المقال به استناد این عبارت نام کتاب کشی را معرفه الرجال پنداشته و این پندار را به شیخ نیز نسبت داده است .

در حالی که

این عبـارت ، همین انـدازه گویـای آن است که کتـاب کشـی در شـناسایی رجال تحریر یافته و از نام کتاب وی در آن سـخنی نیست . احتمالاـ عبـارت مزبور در نسـخه ای که کلباسـی در اختیـار داشـته به صورت ذکره الکشـی فی کتـابه معرفه الرجال (با حذف کلمه فی) بوده و از این رو نامبرده دچار چنین گمانی شده است .

در نسـخه چـاپی کتـابی اختیار الرجال ، چاپ بمبئی ، سال ۱۳۱۷ ، نیز در آخر جزء پنجم به همین صورت از کتـاب کشـی یـاد شـده و چنین آمـده است ، «قدتم الجزء الخامس من کتاب ابی عمرو الکشـی فی معرفه الرجال . . . »و چنانکه ملاحظه می شود در این عبارت نیز هیچ گونه تصریحی به اینکه نام کتاب ، معرفه الرجال باشد ، وجود ندارد .

علامه مجلسی (۴۸) و همچنین از معاصـران ما ، مؤلف قاموس الرجال (۴۹) نیز نام کتاب کشـی را معرفه الرجال ذکر کرده اند (۵۰) ، ولی بـا تـوجه بـه آنچـه قبلاـ یـادآور شـدیم ، ایـن گفتـه مقرون به هیـچ دلیلی نیست ، (۵۱) و بـا رجحـانی کـه نظر ابن شهرآشوب حایز است ، عدول از آن جایز نمی باشد .

از آنچه که گفتیم می توان دانست که نام معرفه اخبار الرجال نیز که در آغاز و انجام نسخه چاپی بمبئی برای کتاب کشی ذکر شده بدون وجه و بی دلیل است ، چه علاوه بر اینکه کتاب موجود و چاپ شده تالیف شـیخ طوسـی و موسوم به اختیار الرجال است نه معرفه اخبـار الرجـال ، اساسـا در مـدارك و مآخـذ مورد اطمینـان از چنین نامی برای کتاب کشـی نشانی نیست و گویا مباشر

چاپ یا یکی از نسخه برداران این نام را از ترکیب دو عبارت کتاب ابی عمرو الکشی فی اخبار الرجال و«کتاب ابی عمرو الکشی فی معرفه الرجال که در بعضی از کتب رجالیه به هنگام یادآوری از کتاب کشی ذکر شده استفاده کرده و آن را نام کتاب پنداشته است .

نحوه انتخاب و تلخیص شیخ

چنانکه پیشتر اشاره شد ، نادرستیها و زواید کتاب کشی بوده که شیخ طوسی را به تهذیب و تلخیص آن برانگیخته و کتاب اختیار الرجال را به وجود آورده است . اکنون باید دید آن نادرستیها و اضافات از چه قبیل بوده و شیخ در این زمینه چه عملی انجام داده است ؟

به گمان برخی (۵۲) ، کتاب کشی در اصل مشتمل بر رجال عامه و خاصه بوده و شیخ ، عامه را از آن اسقاط کرده و کتاب اختیار را به ترجمه رجال شیعه اختصاص داده است . ولی با توجه به اینکه در نسخه موجود اختیار نام جمعی از رجال عامه نیز هست ، خطای این گمان آشکار می گردد . تحقیق آن است که کتاب کشی نیز مانند بسیاری از کتابهای رجالی دیگر ، از قبیل فهرست شیخ و فهرست نجاشی ، در ترجمه شیعیان و هم غیر شیعیانی که برای شیعه و از ائمه ایشان روایت کرده اند نوشته شده است . از این روست که در کتاب اختیار به نام کسانی چون محمد بن اسحق و محمد بن المنکدر و عمرو بن خالد و . . . بر می خوریم که غیر شیعه ولی راوی از ائمه شیعه اند .

گمان غالب آن است که تلخیص و انتخاب شیخ ، پیش از آنکه متوجه رجال مذکور

در کتاب باشـد ، ناظر به روایاتی است که در زیر نام هر یک از رجال ذکر شده است . به فرض آنکه بپذیریم که شـیخ جمعی از ترجمه شدگان اصل کتاب کشـی را به دلیلی اسـقاط کرده ، قابل قبولتر آن است که در میان احادیثی که کشـی به مناسـبت نـام ترجمه شـدگان آورده ، بعضـی از حیث سـند یا از حیث ارتباط به شـخص مترجم ، به نظر شـیخ ، مخـدوش رسـیده و وی همانها را اسـقاط یا تصحیح کرده است . و این از هر احتمال دیگری در مورد چگونگی تلخیص و انتخاب شیخ به نظر نزدیکتر و به مقام شیخ و کشی برازنده تر است .

از برخی قراین می توان حـدس زد که شـیخ در کتاب اختیار همه رجال مورد وثوقی را که در اصل کتاب کشـی نام برده شده انـد ، ذکر نکرده است . مثلا در الفهرست پس از ذکر داود بن ابی زید نیشابوری و تصـریح به اینکه ثقه و راسـتگو است ، می نویسـد : «و له کتب ذکرهـا الکشـی و ابن النـدیم فی کتابیهما . »حال آنکه در نسـخه کنونی اختیار الرجال از این شـخص نامی نیست . بنـابراین اگر مسـلم بـدانیم که منظور از کتـاب کشـی که در عبـارت بالا بـدان اشارت رفته همان کتاب معرفه الناقلین ، یعنی اصـل کتـاب اختیـار الرجـال ، است و فرض کنیم که نسـخه کنونی اختیار در این قسـمت دچار تحریف و اسـقاط نشـده ، تردیدی باقی نخواهد ماند که تصفیه شیخ طوسی شامل برخی از رجال مورد وثوق نیز شده است .

کتابهایی که بر محور اختیار الرجال نگارش یافته است

چنانکه در آغاز گفتیم ، کتاب اختیار الرجال یکی از چهار

کتاب اصلی علم رجال است و در روزگاران پس از شیخ طوسی ، پیوسته مطرح نظر و مورد مراجعه دانشمندان شیعی بوده است . بر اثر این عنایت و اهتمام به مرور زمان کارهای علمی چندی بر محور آن انجام یافته و کتابهایی فراهم آمده است . و از آنجا که کتاب نامبرده نامرتب و بدون فصل بندی کاملی نوشته شده و مراجعه و استفاده از آن دشوار بوده ، بیشتر این کارها در زمینه تبویب و ترتیب و به منظور آسان کردن کار مراجعان صورت گرفته است . ما تا حدود گنجایش این گفتار به معرفی آنچه بر این اساس نگارش یافته می پردازیم : . ترتیب قهپایی . مولی عنایت الله بن شرف الدین قهپایی نجفی (متوفا پس از ۱۰۱۶) (۵۳) کتاب اختیار را بر حسب حرف اول نامها مرتب ساخته و همه کسانی را که مستقلا یا در ضمن ترجمه دیگران در کتاب مزبور نام برده شده اند بدین ترتیب عنوان کرده و در هر مورد عین عبارت کشی را بی کم و کاست درباره آنان آورده است . پس از ذکر روایات آغاز کتاب ، نخست کینه های مصدر به ابن و سپس کنیه های مصدر به اب را و آن گاه اسمها را از«ابان تا«یونس به ترتیب حرف اول درج کرده است . تاریخ اتمام این کتاب سال ۱۰۱۱ هجری است .

چنانکه گفتیم ، روش این کتاب آن است که از عین عبارات کشی فراتر نرود و بی کم و کاست الفاظ وی را در ذیل نام هر یک از رجال بازگو کند . با این حال ناگزیر برای مراعات ترتیب مورد نظر خود

عنـاوین موجود در کتاب اختیار الرجال را تغییر داده و در مواردی که کشـی دو یا چنـد نفر را با هم عنوان کرده نام هر یک را در جای خود بر حسب ترتیب حروف آورده است . در پاره ای موارد ، نسـخه وی با نسـخه چاپ شده اختیار متفاوت است ، از جمله : عنوان حسن بن سـعید الاـهوازی و محمـد بن اسـحق صـاحب المغازی . (۵۴) . ترتیب سـید یوسف بن محمد الحسـینی العاملی ، مؤلف جامع المقال . وی اختیار الرجال را بر حسب طبقات اصـحاب معصومین-علیهم السـلام-نظیر رجال شیخ مرتب ساخته ، یعنی نخست اصحاب رسول اکرم-صلی الله علیه و آله-سپس اصحاب امیر المؤمنین-علیه السلام-و بعد از آن اصحاب امام حسن بن علی-علیه السـلام-و به همین روش تا اصحاب امام یازدهم-علیه السلام-همه را پی در پی ذکر کرده است . بنابر گفته محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل ، تاریخ اتمام این کتاب سال ۹۸۱ است . (۵۵)

۳ . ترتیب شـیخ داود بن حسن بن یوسف البحرانی . وی که تقریبا از معاصـران شیخ حر عاملی ، صاحب وسائل الشیعه ، است ، کتـاب اختیار را به ترتیب الفبایی کامل ، یعنی مراعات حرف اول و دوم و سوم و . . . ، نظیر منهـج المقال (۵۶) ، مرتب ساخته است . (۵۷)

۴ . کتاب حل الاشکال تالیف سـید احمد بن طاووس حلی ، رجالی معروف قرن هفتم . وی متن کتاب اختیار الرجال را با متن اصول سه گانه دیگر فهرست و رجال شـیخ و فهرست نجاشـی به اضافه متن کتاب الضعفاء ابن الغضائری در کتابی گرد آورده و این مجموعه را

حل الاشکال فی معرفه الرجال نام نهاده است . و گویا شهید ثانی-رحمه الله علیه-نسخه اصل این کتاب را در اختیار داشته است . (۵۸)

کلباسی مؤلف سماء المقال (متوفا به سال ۱۳۵۶ قمری) با همه تمجید و ستایشش از نیکویی ترتیب این کتاب ، به این علت که اغلب احادیث اختیار الرجال در آن نیامده و بعضی به اشاره یا نقل به معنی ذکر شده ، چنانکه مراجعه کننده را از اصل کتاب بی نیاز نمی سازد و نیز در مواردی اشتباهاتی بر قلم مؤلف بزرگوار آن رفته ، از کتاب مزبور انتقاد می کند . (۵۹)

پس از ابن طاووس بعضی از شاگردان وی و جمعی از متاخران از او پیروی کرده و اصول اربعه رجالیه را با چند کتاب دیگر از قدما مانند : الضعفاء ، رجال برقی و رجال عقیقی در یکجا گرد آورده اند . (۶۰)

۵ . کتاب تحریر طاووسی تالیف شیخ حسن بن شهید ثانی ، صاحب معالم (۹۵۹-۱۰۱۱) . وی کتاب اختیار الرجال را از مجموعه حل الاشکال انتزاع و استخراج کرده و آن را تحریر طاووسی نامیده است . بنابراین ، کتاب نامبرده همان متن اختیاراست با این تفاوت که عناوین آن بر نسق حل الاشکال تنظیم شده نه به شیوه اصل کشی و شیخ . (۶۱)

۶ . کتاب مجمع الرجال تالیف مولی عنایت الله بن شرف الدین قهپایی . وی علاوه بر مرتب ساختن کتاب اختیار الرجال عین عبارات کتاب مزبور را با عبارات کتابهای رجال و فهرست شیخ ، فهرست نجاشی و الضعفاء ابن الغضائری ملفق و مرتب ساخته و این مجموعه را مجمع الرجال نامیده است .

تاریخ فراغت از تالیف این کتاب

سال ۱۰۱۶ است ، و نسخه ای از آن به خط مؤلف در کتابخانه علامه تهرانی ، صاحب الذریعه ، موجود است . (۶۲)

آیا انتخاب دیگری از رجال کشی انجام گرفته است

دانستیم که آنچه امروز به نـام رجـال کشـی موجود و معروف است ، برگزیـده و پیراسـته ای است که شـیخ طوسـی-رحمه الله علیه-از کتـاب رجال ابو عمرو کشـی یعنی کتاب معرفه الناقلین عن الائمه الصادقین فراهم آورده و آن را اختیار الرجال نامیـده است و اصـل کتاب معرفه الناقلین حتی در روزگار علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) نیز در دسترس کسـی قرار نداشته است . از پاره ای عبارات چنین اسـتنباط می شود که بجز شـیخ طوسی کس دیگری نیز دست به انتخاب از کتاب کشی زده و برگزیده ای از آن به صورت تالیف مستقلی در آمده است . به این عبارت از کتاب سماء المقال توجه فرمایید :

و من العجیب مـا ذکره الفاضـل العنـایه ، من انه یظهر بعـد التصـفح و التتبع التام فی الکتاب ان الاغلاط لیس فیه (منه ، ظ) ، بل انما هی من قلم المنتخبین منه ، مثل الشیخ قدس سره و سپس خود مؤلف سماء المقال می افزاید :

نعم یحتمل ذلک فی البعض . (۶۳)

اگر چه بـدین قرینه که در عبارت یاد شده سـخن از کتاب اختیار الرجال است ، ممکن است کلمه منتخبین را بر این حمل کرد که در تهیه کتاب مزبور عده ای با شـیخ طوسی همکاری داشته اند و مراد انتخاب کنندگان همان کتابند ، لیکن از آنجا که در انتسـاب این کتاب به شـیخ هیـچ گونه تردیـدی وجود نـدارد و تالیف دسـته جمعی در آن اعصار معمول و متـداول نبوده ، این گمان که کسان دیگری نیز مستقلا دست به تلخیص و انتخاب کتاب

کشی زده باشند ، از عبارت مزبور تقویت می شود .

الفهرست

اشاره

این کتاب از گرانبهاترین آثار کهن شیعی در فن رجال و از کتابهای مورد اعتماد علمای این فن است . چنانکه در آغاز این گفتار یاد شد ، «فهرست اصطلاحا بر کتبی که در آن از صاحبان اصول و«مصنفات (۶۴) نام برده شود اطلاق می گردد و قدمای علم رجال غالبا فهرستهایی داشته اند که در آنها فقط به معرفی بعضی از مؤلفان شیعه یا معرفی مؤلفان کتب موجود نزد خود ایشان بسنده می شده است ، مانند : فهرست زراری و فهرست ابن عبدون .

نخستین کسی که در این رشته به تفصیل کتاب نوشت ابو الحسین احمد بن حسین بن عبید الله غضائری ، رجالی معروف شیعه و معاصر شیخ طوسی و نجاشی ، بود که دو کتاب فراهم آورد یکی در اصول و دیگری در مصنفات . ولی متاسفانه این دو کتاب به نسلهای بعد نرسید ، چنانکه از پیش یاد کردیم .

از لحن کلام شیخ طوسی در مقدمه الفهرست آنجا که در مقدمه کتابش از اصرار شیخ فاضل و هم از بیان شیخ نجاشی- معاصر و همدوره عالیقدر شیخ که او نیز کتابی در همین موضوع تالیف کرده-سخن می گوید ، برمی آید که انگیزه این هر دو دانشمند همعصر و عالیقدر همان خالی بودن زمینه این کار و فقدان کتاب جامع و مشبعی در این رشته بوده است . بجز فهرست ابن ندیم (متوفا به سال ۳۸۵) که موضوعا با فهرست مصطلح تا حدودی متفاوت است و درباره تمامی علوم و فنون و مذاهب و سنن معموله میان مسلمانان و بیان مؤلفات ایشان در هر یک

از اینها و مؤلفات علمای غیر مسلمان است و سال تالیف آن ۳۷۸ است ، فهرست شیخ قدیمی ترین کتاب مفصلی است که در این رشته تاکنون به جای مانده و در دسترس دوره های بعد قرار گرفته است . فهرست ابو غالب زراری (۶۵) متوفا به سال ۳۶۸) و معدودی از فهرستهای متقدم بر شیخ (۶۶) -که اکنون بر جا و در دسترس است-کتابهایی کوچک ، بل رساله هایی ، خاص معرفی چند کتابند . (۶۷)

در این باره که از فهرست شیخ و فهرست نجاشی کدامیک پیش از دیگری تالیف شده ، تحقیق یقین آوری انجام نگرفته است . شاید بدین قرینه که نجاشی در فهرست خود از شیخ و تالیفات وی از جمله الفهرست نام برده ، در حالی که در فهرست شیخ از نجاشی و تالیف وی نامی نیست ، گمان می رود که کتاب نجاشی پس از کتاب شیخ تالیف شده است . ولی اولا نامبرده شدن کتاب شیخ در فهرست نجاشی دلیل بر تقدم کتاب شیخ نیست و آیا نمی توان تصور کرد که نجاشی قبلا نام و دیگر تالیفات شیخ را در فهرست خود ثبت کرده و پس از آنکه فهرست شیخ نوشته شده ، آن را نیز در شرح حال وی گنجانیده و به کتب شیخ افزوده باشد ؟ همان طور که خود شیخ طوسی در ذیل شرح حال و در شمار تالیفات خود در فهرستش از کتاب مبسوط ، که گفته اند آخرین تالیف شیخ است ، نام آورده و آن را بر شرح حال خود افزوده است . ثانیا اگر نام نبردن از کتاب نجاشی در فهرست شیخ به موجب آن باشد که در هنگام نگارش آن فهرست ، کتاب نجاشی وجود

نداشته ، می بایست بعدها که کتاب مزبور تالیف شده ، در فهرست شیخ گنجانیده شود ، زیرا بنابر مشهور ، شیخ طوسی ده سال پس از نجاشی زنده بوده و به طور حتم از وجود کتاب وی با خبر شده است . بنابراین ، دلیل یاد نشدن کتاب نجاشی را در فهرست شیخ و همچنین یاد کردن نجاشی کتاب شیخ را باید در چیز دیگری جستجو کرد که احتمالاـ عبارت باشد از معروفیت و عظمت علمی شیخ طوسی و کتابهایش در جامعه شیعی آن روزگار و برخوردار نبودن نجاشی از شهرتی که موجب توجه کامل به خود یا کتابش گردد .

لیکن با این همه ، بررسی و مقابله دو کتاب مزبور و برخورد به عباراتی در فهرست نجاشی که عینا عبارات فهرست شیخ با پاره ای اضافات است و مشاهده شیوه بیان نجاشی در بسیاری از موارد که نمایشگر نظر انتقادی وی نسبت به مطالب هرست شیخ است ، تقریبا جای تردیدی در این باقی نمی گذارد که فهرست نجاشی پس از فهرست شیخ تالیف شده است .

مشخصات کتاب

این کتاب مشتمل بر معرفی نام و آثار قریب به نهصد نفر از صاحبان اصول و مصنفات است که غالبا همراه با سلسله سند میان شیخ و آنان ذکرشان رفته است .

تهیه و تالیف کتاب به خواهش یکی از معاصران شیخ که در مقدمه همین کتاب از او به الشیخ الفاضل تعبیر می کند ، انجام گرفته است . هر چند قرینه قابل اعتمادی که بتواند این شخص را معرفی کند در دست نیست ، ولی از تعبیر شیخ فاضل و هم از اینکه خواهش او در مورد تالیف این کتاب (و همچنین در تالیف دو کتاب

دیگر شیخ : الرجال و الجمل و العقود) از طرف شخصیت بزرگ علمی زمان خود به اجابت مقرون گشته ، به اجمال می توان مطمئن بود که آن شخص دارای موقعیت علمی قابل ملاحظه ای بوده است . (۶۸)

مبنای کتاب بر معرفی اصحاب اصول و مصنفینی است که یا شیعه باشند یا برای شیعه کتابی تالیف کرده باشند . (۶۹) شیخ خود در مقدمه کتاب وعده می دهد که در ذیل نام هر یک از مصنفین و اصحاب اصول ، به آنچه درباره وی از جرح یا تعدیل گفته شده ، و هم به اینکه روایت او مورد اعتماد است یا نه ، و هم به مذهب و اعتقاد او ، اشاره کند ولی عملا در کتاب از این روش تخلف شده است . بدین صورت که جز در موارد نادر ، از توثیق یا تضعیف نامبردگان دریغ کرده ، (۷۰) و در ذیل نام شیعیان غیرامامی از قبیل فطحیه و واقفیه در بعضی از موارد از تذکر مذهب آنان خودداری کرده است . تنها در صورتی که صاحب ترجمه از عامه باشد از مذهب او یاد کرده است . بنابراین هرگاه درباره مذهب کسی سکوت نموده و آن را قید نکرده باشد ، باید مطمئن بود که عامی نیست هر چند شیعی امامی بودن او نیز ثابت نمی شود ، یعنی امکان آن وجود دارد که وابسته به سایر شعبه های شیعه ، مانند فطحی و واقفی و غیره باشد . خلاصه آنکه در فهرست شیخ ، از مذهب شیعه امامی (۷۱) و غیر امامی گاه یاد شده و گاه نشده ، ولی مذهب عامی ، غیر شیعی ، همیشه مورد تذکر

قرار گرفته است . همچنین غالبا از قدح و تضعیف امامی ضعیف ، خودداری شده ، زیرا چنانکه گفتیم موضوع و مبنای کتاب تدوین نام کسانی است که برای شیعه اصل یا تصنیفی نوشته اند ، اعم از شیعی و غیر شیعی ، ممدوح یا مذموم ، که تعیین این صفتها بر عهده این کتاب نیست .

وضع و ترتیب کتاب

کتاب بر حسب حروف تهجی ترتیب یافته و در هر حرفی برای هر یک از اسمهای مصدر به آن حرف ، باب جداگانه ای باز شده است ، مثلاـ در حرف الف برای ابراهیم یک باب و برای اسمعیل یک باب و برای احمد یک باب باز کرده و برای مجموع اسمهایی که بجز یکی از آنها وجود نداشته است ، در هر حرفی ، باب جداگانه ای به عنوان باب الواحد گشوده است ، مثلا در باب الواحد حرف الف ، اسمهای اصبغ و ادریس و اصرم را که از هر کدام یکی بیش نبوده گنجانیده است . و به همین ترتیب تا آخر حروف تهجی ، مجموع اسامی یاد شده در کتاب را که بالغ بر نهصد است در ضمن این ابواب متذکر شده است .

چگونگی نسخه های فهرست

بنابر اظهار نظر بسیاری از خبرگان فن ، نسخه های کتاب الفهرست مانند بیشتر کتب معتبر رجالی کهن از قبیل کتابهای کشی ، نجاشی ، برقی ، و غضائری عموما به تحریف و تصحیف و فزونی و کاستی دچار شده و نسخه صحیح آن به دست ابنای این زمان نرسیده است . علامه کلباسی در این باره می نویسد : «بیشتر نسخه های کنونی فهرست از تصحیف و غلط خالی نیست و چنانکه بعضی از صاحبنظران گفته اند اکثر نسخی که در اختیار مراجعان این دوران قرار دارد مورد دستبرد حوادث و بازیچه دست تصحیف شده است . محقق شیخ سلیمان بحرانی (متوفا به سال ۱۱۲۱ هجری) در صدد شرح و ترتیب و تصحیح این کتاب برآمد و در اکثر تراجم آن ، خطاهای ناشی از قلم کاتبان را اصلاح کرد ، ولی بجز

اسـمهای مصدر به الف را در قالب تالیف نریخت . » (۷۲) از این گفتار اسـتنباط می شود که تصحیحهای محقق بحرانی از نوع تصـحیح قیاسـی بوده و بـا مقابله با دیگر کتابهای مورد اعتماد رجال انجام گرفته است ، نه تصـحیح نسـخه ای به معنای دسـت یـافتن بر نسـخه های تصـحیح شـده و قابل اعتمادی از خود کتاب الفهرست و مقابله آنها با یکـدیگر . چه ، در آن صورت می بایـد خود محقق مزبور بدین موضوع اشاره کرده و کلباسـی نیز آن را نقل کرده باشد . علاوه بر این می باید از آن پس مسـئله اختلاف نسخه ها حل شده و نسخه کامل یا صحیح تقریبی مشخص شده باشد .

تـا آنجـا که مـا اطلاع داریم ، نسـخه صـحیح الفهرست تا زمان ابن داود حلی (متولـد به سال ۶۴۷) موجـود بـوده ، زیرا وی در مواردی تصـریح کرده که نسـخه رجال و فهرست شیخ به خط مؤلف در اختیار اوست . پس از آن دیگر از نسخه تصحیح شده کتـاب مزبـور اطلاعـی در دست نیست و بـدین قرینه که در نسـخه هـای کنـونی عبـارات تحریف شـده قطعی دیـده می شود و مؤلفان معروف رجال در دوره های متاخر از ابن داود ،ماننـد میرزا محمـد استرآبادی مؤلف رجال کبیر (متوفا به سال ۱۰۲۸ یا ۱۰۲۶) و میر مصـطفی تفرشی ، از علمای قرن یازدهم و مؤلف نقد الرجال ، در نقل مطالب آن با یکدیگر اختلاف دارند ، می توان مطمئن بود که هیچ یک به نسخه تصحیح شده این دوکتاب دسترسی نداشته اند و نسخه ابن داود مفقود الاثر شده است .

پس هر جا که نسخه های موجود الفهرست با آنچه ابن داود از کتاب مزبور نقل

می کنـد یکسان نباشـد ، بی تامل بایـد نقل ابن داود را مقدم و حجت شـمرد . چه ، گمان درستی و برابری آن با نوشـته شـیخ قویتر و خردپسندتر است . باید افزود که هر جا میان نقل ابن داود با نقل علامه حلی که معاصر و همدوره وی در شاگردی نزد احمـد بن طاووس بوده است ، نابرابری دیـده شود ، همه وقت نمی توان سـخن ابن داود را مقدم شـمرد ، زیرا علامه نیز نسـخه تصحیح شده رجال و فهرست شیخ را در اختیار داشته است و البته گمان اشتباه ابن داود در قرائت نسخه یکباره منتفی نیست .

چگونگی نسخه های چاپی

متن فهرست بـا همـان ترتیب اصـلی ، نخستین بار در سال ۱۳۵۶ هجری قمری در مطبعه حیـدریه نجف با مقـدمه و تصـحیح و پـاورقی سـید محمـد صـادق آل بحرالعلوم به چـاپ رسـید و همـان نسـخه با همان خصوصـیات بار دیگر در سال ۱۳۸۰ قمری تجدیـد چاپ شـد . این چاپ در ۲۵۲ صـفحه به قطع وزیری و دارای فهرست نامها و شـماره نام رجال و نقطه گـذاری بالنسـبه کامل و بر روی هم ، چاپی ممتاز و قابل توجه است . سالها پیش از این تاریخ نیز ، یعنی در سال ۱۲۷۱ هجری (۱۸۵۳ میلادی) نسـخه ای از فهرست که بر حسب حروف اول و دوم و سوم نـام و نـام پـدر و نـام جـد ترتیب یافته بود ، به وسـیله ا . سبرنجر و مولی عبـد الحق در هندوسـتان تصـحیح شـده و به چـاپ رسـیده بود . علامـه بزرگوار شـیخ آقـا بزرگ تهرانی ، مؤلف کتاب الذریعه ، این نسخه را دیده و خصوصیاتی از آن را در کتاب ذریعه (ج

۱۶ ، ص ۳۸۴) نقل کرده است و آقای سید محمد صادق بحر العلوم در مقدمه کتاب رجال طوسی (ص ۶۹) آن را به نقص و پر غلطی و بدچاپی موصوف نموده است .

مصحح فاضل نامبرده از قول علامه تهرانی شرحی در مورد چاپ دیگری از الفهرست نیز در مقدمه کتاب رجال نقل کرده که خلاصه آن چنین است : «سالها قبل (در حدود سال ۱۳۱۵ قمری) در تهران نسخه ای از الفهرست را در کتابخانه عالم بزرگ ، حاج میرزا ابو الفضل تهرانی ، دیدم . این نسخه در لیدن به طبع رسیده و از لحاظ اتقان و نیکویی چاپ کاملا گرانبها و جالب بود . پس از آنکه به زحمت زیاد شرح آخر آن را که به زبان لاتین نگارش یافته بود به ترجمه رسانیدیم ، معلوم شد که ناشر کوشش فراوانی در مقابله نسخه ها و دقت در تصحیح به کار برده است و هم اکنون نسخه ای که در آن تاریخ به خط خود از آن برداشته ام با همان خط و کاغذ موجود است . جای شگفتی است که علامه تهرانی با اعجابی که از این نسخه داشته در کتاب ذریعه ، ذیل نام الفهرست ، مطلقا از آن یادی نکرده و به گزاره چاپ هند بسنده کرده است . آیا بدین قرینه و هم به قرینه آنکه هیچکس دیگر چنین نسخه ای از کتاب الفهرست را ندیده و از آن نشانی ندارد ، گمان آن نیست که علامه مزبور در شناخت آن نسخه دچار اشتباه شده و همان چاپ هند را چاپ لیدن پنداشته ، یا در هنگام گزاره این شرح (که خلاصه

آن را گفتیم) به خاطر طول زمان ، خصوصیات آن را فراموش کرده و دچار این خلط شده باشد ؟

اعتبار فهرست و انتقاد بر آن

برای اثبات اعتبار کتابهای شیخ طوسی ، بیش از بررسی اصل کتاب ، می توان به اعتبار مؤلف آنها استناد جست . عظمت و ارجمندی مقام علمی شیخ آنچنان است که گمان بی اعتباری تالیفات وی را به کلی مردود ، یا لااقل ، ضعیف می سازد .

نوشته های وی در هر رشته ای گشاینده راهی نو و روشی مبتکرانه و نمایشگر قدرت فراوان و کم سابقه علمی اوست .

چنانکه می دانیم دو کتاب تهذیب و استبصار او در شمار چهار کتاب معروف حدیث ، و سه کتاب الفهرست ، الرجال ، و اختیار الرجال او ، جزء چهار اصل مورد اعتماد علم رجال ، و کتابهای دیگر او هر کدام در رشته خاص خود از : تفسیر ، کلام ، اصول ، و فقه ممتاز و برجسته و برخوردار از ابتکار می باشند .

بنابراین خدشه در آراء و نظرهای وی در فن رجال ، کاری دشوار و دور از احتیاط است . عملا ـ نیز دو کتاب الفهرست و الرجال او در دوره های پس از خود وی پیوسته مورد توجه و اعتنای علمای بزرگ و نام آوری چون محقق ، علامه ، ابن طاووس ، شهید و غیر ایشان بوده و به گفته علامه کلباسی در سماء المقال (ص ۵۲) مشهور علماء توثیقها ، تضعیفها ، و دیگر آراء او را درباره رجال ، به چشم اعتبار و اتقان نگریسته اند .

با این همه ، به طور کلی نمی توان بر همه گفته های شیخ بزرگوار طوسی در رجال صحه نهاد و وجود پاره ای اشتباهات را در

کتابهای ایشان نادیده گرفت . و البته باید اذعان داشت که این اشتباهات در کنار آراء متقن و درست شیخ الطایفه ناچیز و نادر است .

محقق رجالی این روزگار ، شیخ محمد تقی شوشتری در سراسر کتاب تحلیلی و جامع خود ، قاموس الرجال به موارد خطاهای شیخ-قدس سره-در دو کتاب الفهرست و الرجال اشاره کرده و از جمله در فصل بیستم از مقدمات کتاب مزبور نمونه ای از آنها را در ترجمه ابو غالب زراری نمایانده است .

بنابر اظهار محقق مزبور ، موجب اصلی اشتباهات شیخ آن است که وی از فهرست ابن الندیم که چندان متقن و مورد اعتماد نیست ، در موارد بسیاری نقل کرده و از اینرو هر گاه میان نظر شیخ و نجاشی در موردی اختلاف باشد ، سخن نجاشی مقدم است ، زیرا وی در سرتاسر کتاب خود بجز یک بار ، از کتاب مزبور سخنی نقل نکرده است . (۷۳) با این حال در موارد اختلاف میان شیخ و نجاشی ، همیشه نمی توان به تقدم سخن نجاشی حکم کرد ، بلکه حاکم نهایی در غالب موارد ، قراین و امارات خارجی است (در این زمینه در بخشی ، زیر عنوان مقایسه میان فهرست نجاشی و شیخ ، بیش از این سخن خواهیم گفت) .

کتابهایی که بر محور الفهرست نوشته شده است

ذیلها و ترتیبهای متعددی که در دوره های بعد از شیخ بر محور این کتاب نگارش یافته ، بر اهتمام اصحاب نسبت به آن ، نشانه ای بارز است . در زیر از تمامی آنچه در این زمینه بدان دست یافته یا از آن در کتابها نشانی دیده ایم ، یاد می کنیم :

۱ . معالم

العلماء . این کتاب بنابر تصریح مؤلفش ، رشد الدین محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (متوفا به سال ۵۸۸) ، به عنوان تتمیم و تکمیل الفهرست شیخ-رحمه الله علیه-نوشته شده و علاوه بر همه نامهایی که در الفهرست آمده ، مشتمل بر نام گروهی از معاصران و متاخران از شیخ نیز هست . مجموع کسانی که ذکرشان در این کتاب رفته ، نهصد و نود کس اند بجز شعرا که در آخر ، فصلی نیز به گزارش نام آنان اختصاص یافته است . اگر چه این کتاب تقریبا ، نام نود نفر و ششصد کتاب بیش از یادشدگان در الفهرست را متضمن است ، لیکن به دلیل حذف سندها ، مجموعا از کتاب مذکور مختصرتر است . در ذیل نام افراد ، گاهی به وثاقت یا ضعف آنان و هم به تاریخ وفاتشان اشاراتی رفته و این یکی دیگر از امتیازات این کتاب بر الفهرست شیخ است . در ترتیب نامها فقط حرف نخستین مراعات شده و حرف دوم و سوم و . . . به حساب نیامده است . بنابراین ، میان ابراهیم و بلال ترتیب هست ، ولی میان ابراهیم و احمد نه .

این کتاب اولین بار در سال ۱۳۵۳ قمری به کوشش و با تصحیح و مقابله و مقدمه مرحوم عباس اقبال در تهران ، و بار دیگر به سال ۱۳۸۱ قمری با تعلیق و مقدمه مفصل آقای سید صادق بحر العلوم در ۱۵۳ صفحه در چاپخانه حیدریه نجف ، به چاپ رسیده و در دسترس است .

۲ . فهرست . تالیف شیخ منتجب الدین علی بن ابی القاسم عبید الله بن بابویه قمی (متوفا

پس از ۵۸۵) . (۷۴) نام این کتاب اسماء مشایخ الشیعه و مصنفیهم و موضوع آن ، ذکر صاحبان اصول و مصنفینی است که پس از شیخ طوسی آمده یا معاصر وی بوده اند و نامشان در الفهرست یاد نشده است .

پس این کتاب به آن دلیل که فقط مشتمل بر معاصران و متاخران از شیخ است با کتاب همزمان خود ، یعنی معالم العلماء ، که متضمن متقدمان بر شیخ نیز هست ، موضوعا متفاوت می باشد . بنابر تحقیق عباس اقبال در مقدمه معالم العلماء ، این دو کتاب با آنکه از دو عالم همعصر و تقریبا در یک زمان صادر گشته ، بدون آگاهی از یکدیگر نوشته شده اند . این مطلب در مورد شیخ منتجب الدین جای تردید نیست ، چه وی در مقدمه کتابش پس از آنکه از الفهرست یاد می کند چنین می افزاید : «و لم یصنف بعده شی ء من ذلک . . . »پس یا در آن تاریخ هنوز کتاب معالم العلماء تالیف نشده بوده یا به نظر شیخ منتجب الدین نرسیده بوده است .

ترتیب این کتاب ، همان ترتیب کتاب معالم است بی هیچ افزونی و کاستی ، حجم آن از کتاب مزبور کمتر است . این کتاب فقط یک بار در قطع بزرگ (رحلی) ، منضم با کتاب معروف بحار الانوار-در آغاز جلد بیست و پنجم-به چاپ سنگی رسیده و محتاج تصحیح و چاپ مجدد است .

۳ . تلخیص الفهرست . تالیف شیخ نجم الدین ابو القاسم جعفر بن الحسین بن یحیی معروف به محقق حلی (متوفا به سال ۶۷۶) . در این کتاب ، تنها به نام رجال و نویسندگان و برخی از

خصوصیاتشان بسنده شده و نام کتابها و هم سند مؤلف بدانها ، حذف شده است . بنابر نقل علامه تهرانی در الذریعه نسخه ای از این کتاب در کتابخانه شخصی علامه سید حسن صدر یافت می شده است .

۴ . ترتیب قهپایی . چنانکه دانستیم ، مولی عنایت الله قهپایی گرد آورنده اصول چهارگانه رجالی در مجموعه مجمع الرجال برخی از این اصول را نیز جداگانه مرتب ساخته ، که شرحی در زمینه ترتیب اختیار الرجال گذشت . از جمله کتابهایی که وی مرتب ساخته الفهرست است و این مطلب را خود او در مقدمه مجمع الرجال اظهار داشته است . (۷۵)

۵ . ترتیب بحرانی . شیخ علی بن عبد الله الاصبعی البحرانی (متوفا به سال ۱۱۲۷) نیز الفهرست را مرتب ساخته است . این کتاب به شماره ۲۷۷ در جلد چهارم الذریعه ثبت است . از خصوصیات دیگر آن و از اینکه نسخه آن باقی است و کجاست ، اطلاعی نداریم .

۶ . شرح فهرست . شیخ سلیمان بن شیخ عبد الله البحرانی الماحوزی (۱۰۷۵-۱۱۲۱) الفهرست را شرح و تصحیح کرده و تراجم آن را مرتب ساخته و آن را معراج الکمال الی معرفه الرجال نام نهاده است . لیکن این کتاب کامل نشده و فقط حرف الف (بنابر قول کلباسی در سماء المقال ، ص ۴۲) یا تا حرف تاء» (بنابر نقل سید صادق بحرا العلوم در مقدمه رجال شیخ از قول شیخ یوسف بحرانی در لؤلؤه البحرین) به رشته تحریر در آمده است .

بنابر نقل علامه تهرانی در الذریعه (ج ۴ ، ص ۶۶) یکی از فضلای اصحاب ، فهرست را به ترتیب

حروف : حرف اول و دوم و سوم مرتب ساخته و در سال ۱۰۰۵ از آن راغت یافته است . و این همان نسخه ای است که به سال ۱۲۷۱ هجری در کلکته چاپ شده است . (۷۶)

پی نوشتها

از ۱تا۳۵

۱ . گویا منظور از تاریخ الرجال که در بعضی کتب در شمار رشته های علم رجال ذکر شده و برخی از مصنفات قدما ، مانند کتاب عقیقی (پدر) بدان اختصاص یافته ، همین تراجم است .

۲ . این کنیه در برخی از مدارک ابن ریدویه به آراء مهمله و در برخی دیگر«ابن رویده ضبط شده و آنچه در متن آمده به نقل از الفهرست شیخ طوسی است و به هر حال منظور ، علی بن محمد بن جعفر بن عنبسه الحداد العسکری است

۳ . تعیین این تاریخ به اعتماد گفته علامه بزرگوار شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه است (ج ۱۰ ، ص ۸۴) ولی با توجه به اینکه عبید الله تا پایان قرن اول هجری در قید حیات بوده (الفهرست ، چاپ نجف ، پاورقی ص ۱۳۳ به نقل از التقریب ابن حجر) این گفته بی دلیل می نماید ، مگر اینکه تالیف وی در همان سالهای حدود ۴۰ باشد .

۴ . الذریعه (ج ۱۰ ، ص ۹۹ و الاسناد المصفی ص ۷۹) آنچه درباره مؤلف این کتاب گفته شد ، نظر علامه تهرانی است در کتاب ارجمند و معروف الذریعه و هم در رساله مشیخه ایشان که به الاسناد المصفی معروف است . و او نیز در این نظر ، دنباله رو نجاشی و شاید بعضی دیگر از ائمه رجال است . گروه دیگری این کتاب را به پدر وی ،

ابو عبـد الله محمـد بن خالد البرقی ، منسوب کرده اند . ولی محقق رجالی ، معاصـر شـیخ محمد تقی شوشتری ، صاحب کتاب قاموس الرجال ، این هر دو قول را مردود شـمرده و مؤلف طبقات الرجال را به قرینه طبقه روایتی ، عبـد الله بن احمـد البرقی-از مشایخ روایت کلینی-یا احمد بن عبد البرقی-از مشایخ صدوق ثانی-دانسـته و باز در میان این دو احتمال ، دومین را به صواب نزدیکتر شمرده است . برای تفصیل ر . ک . قاموس الرجال ، ج ۱ ، ص ۳۱-۳۲ .

۵ . فهرست نجاشـی ، چاپ سربی ، تهران ۱۶۰ . این تاریـخ در قاموس الرجال به نقل از فهرست نجاشـی ۲۲۹ ضبط شده که با مراجعه به دو نسـخه چاپی نجاشـی و هم برخی کتب دیگر که آن را از نجاشی نقل کرده اند مانند : الذریعه و تاسیس الشیعه ، اطمینان به وقوع اشتباه برای صاحب قاموس یا مامقانی صاحب رجال (که قاموس تقریبا حاشیه ای بر آن است) حاصل می شود .

۶ . الذریعه ، ج ۱۰ ، ص ۸۹ .

۷ . معالم العلماء . تالیف محمـد بن علی بن شـهر آشوب (متوفا به سال ۵۸۸) چاپ عباس اقبال ص ۲۸ . ولی در فهرست شیخ طوسی فقط از مشیخه یاد شده و از این کتاب ذکری نرفته است .

۸ . الذریعه ، ج ۱۰ ، ص ۱۴۷ .

۹ . الذریعه ، ج ۱۰ ، ص ۱۵۴ .

۱۰ . تاسـیس الشیعه لفنون الاسلام ، تالیف علامه سید حسن صدر (متوفا به سال ۱۳۵۴ قمری) ص ۲۳۳ . علامه نامبرده از آنجا که به سهو القلم ، وفات شعبه

را ۲۶۰ ذکر کرده ، وی را متاخر از ابن جبله پنداشته و عبد الله بن جبله را نخستین مؤلف علم رجال دانسته است .

۱۱ . الامام الصادق ، چاپ مصر ، ص ۴۵۸ .

۱۲ . سال وفات او را شیخ در الفهرست ، ۳۳۳ و در کتاب رجال ، ۳۳۲ ذکر کرده و محقق شوشتری در قاموس الرجال قول اول را به صواب نزدیک دانسته است . قاموس ، ج ۱ ، ص ۳۹۷ .

۱۳ . این کتاب را نخستین بار جمال الدین ابوالفضائل احمد بن طاووس حلی (متوفا به سال ۶۷۳) کشف کرد و در کتاب حل الاشکال خود که مجموعه ای است شامل این کتاب و اصول چهارگانه علم رجال مندرج ساخت . بعدها مولی عبد الله تستری (متوفا به سال ۱۰۲۱) آن را از حل الاشکال استخراج و جداگانه تدوین کرد . برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به الذریعه ، ج ۱۰ .

۱۴ . قاموس الرجال ، ج ۸ ، ص ۳۲۳ . به نقل از انساب سمعانی .

۱۵ . الذریعه ، ج ۱ ، ص ۳۲۳ .

۱۶ . الفهرست ، چاپ نجف ، ص ۱۷۸ و قاموس ، ج ۸ ، ص ۳۲۲ .

۱۷ . درباره نام این کتاب در بخش مربوط به اختیار الرجال ، از این مقال به تفصیل سخن گفته ایم .

۱۸ . به گفته سید محمد صادق بحر العلوم در مقدمه رجال شیخ ، چاپ نجف ، ص ۶۱ .

۱۹ . این قول معروف درباره سال وفات شیخ نجاشی است که مؤلفان متاخر همچون علامه مامقانی و علامه تهرانی و جز ایشان نیز همان را ذکر کرده اند .

برخی دیگر همین تاریخ را با تعبیر«ده سال پیش از شیخ بیان کرده اند . فقط محقق شوشتری ، صاحب قاموس الرجال ، این قول را تخطئه کرده است ، با این استدلال که نجاشی در کتاب خود محمد بن الحسن بن حمزه بن ابی یعلی را عنوان کرده و گفته که وی در سال ۴۶۳ وفات یافته است . پس نجاشی باید در این تاریخ زنده باشد و پس از آن وفات یافته باشد (قاموس ، ج ۱ ، ص ۳۴۷) ، ولی فاضل محقق بزرگوار ، سید موسی شبیری زنجانی ، در این مورد نظری متکی به استدلالی متین ابراز داشته و سخن مؤلف قاموس را مردود ساخته است . اظهار معزی الیه عینا چنین است :

از اینکه نجاشی ، وفات شیخ طوسی (متوفا به سال ۴۶۰) را در کتاب خود ضبط نکرده و از کتابهای معروف شیخ مانند مبسوط و تبیان نام نبرده ، می توان مطمئن شد که تاریخ مزبور (یعنی تاریخ فوت محمد بن الحسن بن حمزه که در کتاب نجاشی مضبوط است) یا اشتباه است و صحیح آن ۴۳۶ است ، یا اینکه از خطوط الحاقی است که نظیر آن در اثر خلط حاشیه به متن ، در بسیاری از کتب اتفاق افتاده است . از این قبیل است تاریخ وفات عبد الکریم قشیری (متوفا به سال ۴۶۵) که در بعضی از نسخ تاریخ بغداد ، تالیف خطیب-که خود در سال ۴۶۳ فوت کرده است-ثبت شده است . و خطوط الحاقی در فهرست ابن ندیم (متوفا به سال ۳۸۰ یا ۳۸۵) بسیار زیاد است و به گمان قوی احتمال دوم صحیح است

، چنانکه با مراجعه به فرحه الغری ، تالیف عبد الکریم بن طاووس معلوم می شود .

۲۰ . قاموس ، ج ۱ ، ص ۳۴ .

۲۱ . فهرست شیخ ، چاپ نجف ، سال ۱۳۸۰ ، ص ۲۴ .

۲۲ . الفهرست ، ص ۲۸ .

۲۳ . احتمالا«اصل کتابی است که در آن مطالب بدون تبویب و ترتیب ذکر شده باشد و«تصنیف ، کتابی که مطالب آن مرتب و تحت عناوین خاص ذکر شده باشد . یا«اصل آن است که در آن فقط به نقل روایات بسنده شده باشد و«تصنیف آنکه در آن از گردآورنده نیز سخنی و بیانی افزوده شده باشد .

۲۴ . الفهرست ، ص ۲۴ . مؤلف قاموس الرجال معتقد است که این دو کتاب تلف نشده و پس از خود او به نجاشی رسیده است و بر این ادعا دلایلی نیز از گفته های نجاشی اقامه می کند که به هیچ صورت قادر بر تایید این نظر نیستند . ر . ك . قاموس ، ج ۱ ، ص ۲۹۱ و ۲۹۲ .

۲۵ . در گفتار ابن شهر آشوب در مقدمه کتاب معالم العلماء-آنجا که سخن غزالی را در مورد نخستین کتاب در اسلام نقل می کند و سپس آن را رد می نماید و نخستین کتابها را به علی ، علیه السلام ، و سپس به سلمان و ابوذر و اصبغ و . . . نسبت می دهد-نیز می توان نشانه ای از همین انگیزه فرقه ای مشاهده کرد .

۲۶ . بنابر ضبط نجاشی : ازدی .

۲۷ . اگر کتاب عبید الله بن ابی رافع-که قبلاـ نامش گذشت-مشتمل بر شرح حال افراد نیز باشد ، بالطبع نخستین کتاب در رشته

تاریخ رجال خواهد بود ، ولی بدین قرینه که شیخ نام کتاب مزبور را تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین ضبط کرده ، محتمل است که فقط متضمن نام رجال بوده و شرح حال ایشان در آن نیامده و در این صورت از موضوع تاریخ رجال بیرون است .

۲۸ . منسوب به کش (به فتح کاف و تشدید شین) از قراء گرگان و به قولی از بلاد ماوراء النهر .

۲۹ . اختیار الرجال ، چاپ بمبئی ، ص ۹۹ .

۳۰ . قاموس الرجال ، ج ۱ ، ص ۱۶ .

۳۱ . با نسخه تازه و جامعی از اختیار الرجال که به تصحیح و تنقیح عالم متتبع آقای حاج میرزا حسن مصطفوی فراهم آمده و چاپ شده ، فهرست اعلام بسیار کامل و مبسوطی همراه است که بر تمامی رجال مترجم و غیر مترجم یاد شده در این کتاب مشتمل می باشد ، و بیگمان محصول پر ارزش رنج و کوشش فراوانی است ، شکر الله سعیه . عالم محقق آقای سید موسی زنجانی نیز فهرست اعلام مترجم آن را تهیه کرده اند که با هیچیک از کتب رجالی ، یا مستقلا ، به چاپ نرسیده و مورد استفاده مراجعان قرار نگرفته است . با چاپ تازه دیگری نیز که اخیرا در نجف و با تصحیح و تحشیه سید احمد الحسینی انتشار یافته فهرست نامها ، کنیه ها و ، لقبها ، و فهرست نام و کنیه و لقب زنان جداگانه ، و فهرست موضوعات متفرقه ، چاپ شده است .

۳۲ . قاموس الرجال ، ج ۱ ، ص ۳۳ .

۳۳ . فرج المهموم ، چاپ نجف ،

ص ۱۳۰ .

۳۴ . الفهرست ، ص ۱۹۰ .

۳۵ . برای تفصیل این موارد ر . ك . قاموس الرجال ، ج ۱ ، ص ۳۳ .

از ۳۶ تا ۷۶

۳۶ . مولی عنایت الله قهپایی نیز ادله دیگری بر این مطلب اقامه کرده که غالبا از افاده مدعا قاصرند . برای تفصیل ، ر . ك . قاموس الرجال ، ج ۱ ، ص ۳۴ .

۳۷ . بدین گونه که نخست این عبارت را از علامه نقل می کند : «روی الکشی عن جعفر ابن احمد بن ایوب عن صفوان . . . »که درباره خالد البجلی است و سپس می گوید : «این حدیث علاوه بر عدم دلالتش بر توثیق و مدح ، سندش مجهول و مضطرب است زیرا شیخ در کتاب اختیار سند را به این صورت آورده ولی در کتاب کشی سند چنین است : عن جعفر بن احمد ، عن جعفر بن بشیر»الخ-قاموس الرجال ، ج ۱ ، ص ۳۶ .

۳۸ . به ضم قاف ، معرب کوهپایی منسوب به کوهپایه یا کوپا از محال اصفهان . وی از شاگردان شیخ بهایی است و چند تالیف در علم رجال دارد .

۳۹ . ر . ك . قاموس ، ج ۱ ، ص ۳۶ و ۳۷ .

۴۰ . فهرست نجاشی ، چاپ تهران ، مرکز نشر کتاب ، ص ۲۸۸ .

۴۱ . همان کتاب ، ص ۳۲۱ .

۴۲ . سماء المقال ، ص ۳۲ .

۴۳ . برای تفصیل ، ر . ك . قاموس الرجال ، ج ۱ ، ص ۴۳-۴۴ .

۴۴ . الفهرست ، ص ۱۶۷ .

۴۵ . رجال نجاشی ، ص ۲۸۸ .

۴۶ .

معالم العلماء ، ص ۹۱ . عبارت چنین است : «له معرفه الناقلین عن الائمه الصادقین ، علیهم السلام . »

۴۷ . الفهرست ، ص ۵۹ .

۴۸ . به نقل کلباسی در سماء المقال ، ص ۲۷ .

۴۹ . ج ۱ ، ص ۱۵ .

۵۰ . از جمله اختیار معرفه الرجال که به عنوان نام کتاب شیخ در چاپ مصحح و کامل اخیر انتخاب شده استنباط می شود که مصحح محترم و دانشمند آن نیز نام اصل کتاب کشی را«معرفه الرجال دانسته و کتاب شیخ را که انتخاب و برگزیده آن ست بالطبع اختیار معرفه الرجال نامیده اند . و در این نامگذاری دو مسامحه است : یکی نسبت به اصل کتاب کشی که معرفه الناقلین عن الائمه الصادقین است نه معرفه الرجال ، و دیگری نسبت به برگزیده شیخ که در همه مدارک معتبر از آن به نام اختیار الرجال یاد شده نه اختیار معرفه الرجال .

۵۱ . ابن شهر آشوب در کتاب دیگر خود ، مناقب آل ابیطالب ، از کتاب کشی به نام معرفه الرجال یاد می کند (ج ۴ ، ص ۱۴۷) لیکن ظاهر آن است که منظور وی همان تلخیص شیخ است نه اصل کتاب ، زیرا می گوید : «معرفه الرجال عن الکشی عن ابی بصیر . »

۵۲ . از جمله ، محدث قمی در الکنی و الالقاب ، ج ۳ ، ص ۱۱۶ ، چاپ نجف .

۵۳ . تاریخ مزبور ، سال فراغت وی از تالیف کتاب مشهورش ، مجمع الرجال ، است . پس از این تاریخ از حال وی اطلاعی در دست نیست . نیز تاریخ دقیق وفات او در کتب

تراجم به دست نیامد .

۵۴ . برای تفصیل و تحقیق این موارد ، ر . ك . قاموس الرجال ، ج ۱ ، ص ۴۶ .

۵۵ . این کتاب ، به شماره ۲۸۱ ، در جلد چهارم الذریعه ثبت است .

۵۶ . معروف به رجال کبیر تالیف میرزا محمد استرابادی ، (متوفا به سال ۱۰۲۶ یا ۱۰۲۸) .

۵۷ . این کتاب به شماره ۲۷۹ در جلد چهارم الذریعه ثبت است .

۵۸ . سماء المقال ، ص ۳۰ .

۵۹ . برای تفصیل ، ر . ك . سماء المقال ، ص ۳۰-۳۱ .

۶۰ . الذریعه ، ج ۱۰ ، ص ۸۱ .

۶۱ . از این کتاب دو نسخه به شماره های : ۳۶۰۳/۳۶۲۵ ۱۴ در کتابخانه آستان قدس ، مشهد ، موجود است .

۶۲ . مقدمه رجال شیخ ، چاپ نجف ، ص ۸۱ .

۶۳ . سماء المقال ، ص ۲۶ .

۶۴ . توضیحی درباره اصول و مصنفات و فرق میان این دو اصطلاح در پانوشت شماره ۲۳ گذشت .

۶۵ . فهرست ابو غالب ، بخشی از رساله[نامه]معروف اوست به فرزند زاده اش که در آن از شرح حال پدران و اعمام و سلسله فامیل خود سخن رانده و اجازه روایت کتابهای مذکور در این فهرست را به او داده است . نسخه ای از این کتاب به خط نسخی شیوا و نه چندان قدیمی ، در ۲۹ صفحه ، به قطع خشتی در کتابخانه آستان قدس به شماره ۷۶۶۹ ضبط است . آغاز نسخه چنین است :

«حدثنا ابو عبد الله الحسین بن عبد الله بن ابراهیم الواسطی ، قال حدثنا ابو غالب احمد بن محمد بن سلیمان بن الحسن بن

الجهم بن بکیر بن اعین الشیبانی ، منه الی ابن ابنه محمد بن عبد الله بن احمد ، سلام علیک فانی احمد الله الیک ، الله الذی لا اله الا هو . . . »

۶۶ . از جمله فهرستهای معروف قبل از شیخ ، فهرست کتب سید مرتضی است . احتمالا از خود سید و احتمالا از شاگردش محمد بن محمد البصروی ، (متوفا به سال ۴۴۳) (ر . ک . الذریعه ، ج ۱۶ ، ص ۳۸۱ و ۳۹۲) به نقل علامه تهرانی ، نسخه ای از این کتاب در کتابخانه سپهسالار موجود است .

۶۷ . به هر صورت ، اظهار نظر مرحوم عباس اقبال در مقدمه معالم العلماء که فهرست شیخ را نخستین کتاب باقی مانده از علمای سلف شیعه دانسته ، ناشی از کمی تتبع است ، چه علاوه بر دو فهرست ابو غالب و سید مرتضی-که هر دو تاکنون موجودند-ابن ندیم مؤلف فهرست معروف ابن ندیم نیز شیعی است . ر . ک . الذریعه ، ج ۱۶ ، ص ۳۷۵ .

۶۸ . علامه تهرانی ، در جلد پنجم الذریعه (ص ۱۴۵) از برخی نسخه های کهن الجمل و العقود نقل می کند که منظور از الشیخ الفاضل ، قاضی عبد العزیز بن البراج قاضی طرابلس (متوفا به سال ۴۸۱) است .

۶۹ . مرحوم عباس اقبال در مقدمه معالم العلماء ، الفهرست را مخصوص مصنفین و اصحاب اصول از فرقه شیعه پنداشته است ، ولی بیان خود شیخ در مقدمه الفهرست و یاد شدن گروهی از مؤلفان غیر شیعه در آن کتاب ، این پندار را مردود می سازد .

۷۰ . برای تفضیل ر . ک

. الفهرست ، چاپ نجف ، ۱۳۸۰ ، ص ۷۱ ، ۷۸ ، ۸۸ و ۸۹ ، و سماء المقال ص . ۴۱ و ۴۲ .

۷۱ . قاموس الرجال ، ج ۱ ، ص ۱۸ ، در این صورت ، سخن علامه طباطبایی و سید داماد (به نقل مامقانی در رجال ، ج ۱ ، ص ۲۰۵) که مبنای شیخ بر تصریح به مذهب غیر امامی است مانند فطحیه و واقفیه بی وجه خواهد بود .

۷۲ . سماء المقال ، ص ۴۲ .

۷۳ . قاموس ، ج ۱ ، ص ۳۷-۳۹ .

۷۴ . منتجب الدین طویل العمر بوده و در سال ششصد هجری ، اجازه عامه برای روایت حدیث داده است و دلیل بر آن کلام زیرین است :

«ابن الفوطی در مجمع الآداب فی تلخیص معجم الالقاب ، در صفحه ۷۷۵ کتاب المیم گفته است : «منتجب الدین ابو الحسن علی بن عبید الله بن الحسن بن الحسین بن الحسن بن الحسین بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی الرازی المحدث المقری ، ذکره الشیخ الحافظ صائن الدین ابو رشد محمد بن ابی القاسم بن الغزال الاصبهانی فی کتاب الجمع المبارک و النفع المشارک من تصنیفه و قال : اجاز عامه سنه ستمائه ، و له کتاب الاربعین عن الاربعین ، رواه عنه مجد الدین ابو المجد محمد بن الحسین القزوینی . . . »

(حواشی و تعلیقات دیوان قوامی رازی ، از جلال الدین محدث ارموی ، ص ۲۲۹) .

۷۵ . الذریعه ، ج ۴ ، ص ۶۴ .

۷۶ . تا اینجا درباره دو کتاب از ۴ کتاب اصلی علم رجال ، یعنی اختیار الرجال

و فهرست شیخ طوسی سخن گفته شد . بدین گونه تتمه این مقال مشتمل است بر معرفی ۲ کتاب دیگر ، یعنی کتاب الرجال یا الابواب ، تالیف شیخ طوسی ، و کتاب فهرست معروف به رجال نجاشی ، تالیف ابو العباس احمد نجاشی . امید است این تتمه نیز تکمیل شود .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای


www